





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارتباطات سیاسی و کیفیت اطلاعات حسابداری: شواهدی از تجدید ارائه صورت‌های مالی


استاد حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

شکراله خواجهوی * 

کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

هاشم نصیری‌فر 

دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

محمدحسین قدیریان آرانی 

چکیده

باتوجه به مزایای روابط سیاسی برای شرکت‌ها و نیاز کمتر شرکت‌های با ارتباطات سیاسی گسترده برای پاسخگویی به فشارهای بازار برای افزایش کیفیت اطلاعات انتظار می‌رود چنین شرکت‌هایی اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین‌تری ارائه کنند. از آنجا که دولت در اقتصاد ایران نقش‌های گسترده‌ای دارد، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا اطلاعات ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۹ برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی و شدت تجدید ارائه به‌عنوان سنجه‌هایی از پایین بودن کیفیت اطلاعات حسابداری به کار گرفته شد. به‌منظور دست‌یابی به اهداف پژوهش دو فرضیه تدوین و از روش رگرسیون لجستیک و رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون آن‌ها استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی بر وقوع و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌گونه‌ای مثبت تأثیرگذار است. از این رو، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها تحت تأثیر روابط سیاسی آن‌ها قرار می‌گیرد. کلیدواژه‌ها: ارتباطات سیاسی، کیفیت اطلاعات حسابداری، تجدید ارائه صورت‌های مالی، بورس اوراق بهادار تهران

مقدمه

اهمیت گزارش‌های مالی که در دسترس عموم قرار می‌گیرند از دیرباز به رسمیت شناخته شده است، زیرا آن‌ها ذینفعان را قادر می‌سازند با استفاده از اطلاعات مربوط به وضعیت مالی و عملکرد یک واحد اقتصادی، تصمیمات اقتصادی آگاهانه‌تری بگیرند (واتس و زیمرمن^۱، ۱۹۸۶). چارچوب گزارشگری مالی بیان می‌کند که هدف اصلی صورت‌های مالی ارائه منصفانه اطلاعات مربوط به وضعیت و عملکرد مالی یک واحد اقتصادی و ایجاد اطمینان از قابلیت مقایسه آن‌ها به منظور نیل به اهداف تصمیم‌گیری اقتصادی است (کمیسیون اروپا^۲ ۲۰۱۱: ۱). گزارشگری مالی همچنین به عنوان بخش مهمی از زیرساخت-های مربوط به دستیابی به سرمایه‌های جهانی مانند سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به ویژه در اقتصادهای نوظهور^۳ مورد توجه قرار گرفته است (چودری و موراتس^۴، ۲۰۰۶). شرکت‌ها در چنین اقتصادهایی برای دسترسی به سرمایه جهانی و اطلاعات با کیفیت بالاتر با موانع بیشتری روبرو هستند. بنابراین گزارشگری مالی با کیفیت بهتر به کاهش چنین موانعی کمک می‌کند (فراست^۵ و همکاران، ۲۰۰۸). از این رو، گزارشگری مالی با کیفیت بالا نه تنها برای ذینفعان هنگام تصمیم‌گیری اقتصادی، بلکه برای کشورهای در حال توسعه که سعی در جذب سرمایه جهانی دارند نیز مفید است.

ادبیات اقتصاد سیاسی نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی با مشکلات نمایندگی شدیدی چون گزارشگری مالی مبهم و غیر شفاف روبرو هستند. به اعتقاد بیارد^۶ و همکاران (۲۰۰۶) و کلاسنس و فن^۷ (۲۰۰۲) کیفیت گزارشگری مالی پایین با کارایی ضعیف حاکمیت شرکتی در ارتباط است که این موضوع ناشی از تأثیر روابط سیاسی شرکت‌ها است. چنی^۸ و همکاران (۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که مدیران شرکت‌های

-
1. Watts & Zimmerman
 2. European commission
 3. Emerging market economies
 4. Chowdhury & Mavrotas
 5. Frost
 6. Byard
 7. Claessens & Fan
 8. Chaney

سیاسی در مورد گزارشگری نامناسب شرکت خود نگران نیستند چرا که دولت و یا سیاستمداران (دارای ارتباط با شرکت)، بانک‌ها را به سویی هدایت می‌کنند تا شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی بتوانند تسهیلات با نرخ بهره پایین دریافت کنند (خواجه و مین^۱، ۲۰۰۵؛ کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸)، در نتیجه شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی می‌توانند نظم حاکم بر بازار، مسئولیت‌پذیری و شفافیت که از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی می‌باشند را بر هم بزنند (لئوز و ابرهولزر-گی^۲، ۲۰۰۶)، همچنین به واسطه حمایت‌های دولت، سهامداران کنترل‌کننده شرکت‌های سیاسی، مبادرت به ایجاد و حفظ یک نظام گزارشگری غیر شفاف جهت تسهیل فعالیت‌های اقتصادی تصدی‌گرانه^۳ خود نظیر معاملات با اشخاص وابسته و حزبی^۴ می‌نمایند (پیتروسکی^۵ و همکاران، ۲۰۱۵؛ چنی و همکاران، ۲۰۱۱؛ جباراج بنجامین^۶ و همکاران، ۲۰۱۶). به‌طور خلاصه در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای این روابط است. شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطشان دست می‌یابند که باعث می‌شود کمتر به گزارش‌های مالی باکیفیت متکی باشند (چنی و همکاران، ۲۰۱۱).

قابلیت اتکا و مربوط بودن، اصلی‌ترین ویژگی‌های کیفی هستند که منجر به سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان می‌شوند. قابلیت اتکای اطلاعات، با ویژگی‌های بیان‌صادقانه، رجحان محتوا بر شکل، بی‌طرفی، احتیاط و کامل بودن همراه است. هنگامی که اطلاعات به سبب اصلاح اشتباه تجدید ارائه می‌شود، تلویحاً به مفهوم آن است که اطلاعات دوره گذشته عاری از اشتباه نبوده است. تکرار تجدید ارائه صورت‌های مالی طی سنوات مختلف هم این ذهنیت را تقویت می‌کند که اطلاعات از تمایلات جانبدارانه نیز مبرا نمی‌باشد. بنابراین، یکی از تبعات منفی تجدید ارائه صورت‌های

-
1. Khwaja & Mian
 2. Leuz & Oberholzer-Gee
 3. Wealth-expropriation activities
 4. Self-dealings and related party transactions
 5. Piotroski et al.
 6. Jebaraj Benjamin

مالی، تاثیر منفی آن بر قابلیت اتکای صورت‌های مالی است (رفیعی و صفرزاده، ۱۳۹۳). در حقیقت تجدید ارائه صورت‌های مالی نشانه‌ای از قابلیت اتکای پایین اطلاعات است و به همین دلیل در برخی پژوهش‌های پیشین (همچون لین^۱ و همکاران، ۲۰۰۶؛ آرچامبولت^۲ و همکاران، ۲۰۰۸؛ کاو و همکاران، ۲۰۱۰؛ مهدوی و قدیریان آرانی، ۱۳۹۶؛ برزگری خانقاه و قدیریان آرانی، ۱۳۹۷) به‌عنوان معیار معکوسی از کیفیت اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد ارتباطات سیاسی می‌تواند یکی از عوامل پایین بودن کیفیت اطلاعات و در نتیجه تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها باشد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته و نقش زیاد دولت در اقتصاد ایران و گسترده‌گی ارتباطات سیاسی در کشور، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ارتباطات سیاسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان معیار معکوسی از کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیرگذار است؟ بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. از آن‌جا که در پژوهش‌های پیشین (همچون چنی و همکاران، ۲۰۱۱؛ نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲؛ و چالشگری و جعفری، ۱۳۹۴) برای بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر کیفیت اطلاعات، از تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان معیاری از کیفیت اطلاعات استفاده نشده است، انجام پژوهش حاضر می‌تواند شواهد جدیدی از این رابطه فراهم کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ارتباطات سیاسی و کیفیت اطلاعات حسابداری

اصطلاح "سرمایه‌داری رابطه‌ای"^۳ برای تشریح روابط بین دولت و سیاستمداران با واحدهای تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (بال و همکاران^۴، ۲۰۰۳). واحدهای تجاری همواره به دنبال برقراری ارتباط نزدیک با دولت هستند، چراکه تحت این نوع از "سرمایه

1. lin
2. Archambeault
3. Crony capitalism
4. Ball

داری مبتنی بر روابط^۱ منابع به سمت شرکت‌های خاصی هدایت می‌شوند (شلیفر و ویشنی^۲، ۱۹۹۴؛ سیویلاز^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). مهم‌ترین عامل مطرح شده در زمینه ارتباطات سیاسی، وجود روابط است که اشاره به تلاش جهت نزدیک شدن به عاملان قدرت از جمله سیاستمداران و افراد صاحب منصب در ارکان دولت دارد. نفوذ روابط در سیستم اقتصاد منجر به ظهور پدیده سرمایه‌داری رابطه‌ای شده است که در آن عملکرد واحدهای تجاری به جای تکیه بر نیروهای بازار، متکی بر ارتباطات سیاسی است (سوبل و گرافی اندرسون^۴، ۲۰۱۴). در سیستم سرمایه‌داری رابطه‌ای، روابط بین واحدهای تجاری و سیاستمداران امری عادی است و افرادی که به مقامات سیاسی نزدیک هستند، به دنبال اجرای سیاست‌هایی هستند که منافع اقتصادی آن‌ها را تأمین می‌کند (هابر^۵، ۲۰۰۲). در چنین وضعیتی، سیاستمداران قدرتمند معمولاً رفتارهای تبعیض‌آمیزی را با شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی دارند و از طریق ایجاد محیطی انحصاری، که این شرکت‌ها را در برابر رقبای خود حفاظت می‌کند، عملیات و فعالیت‌های آن‌ها را تسهیل می‌کنند (چایتاناکچ^۶، ۲۰۰۶). از طرف دیگر، دولت به منظور کنترل اقتصاد کشور، در واحدهای تجاری به طرق مختلف نفوذ می‌کند. نفوذ دولت در واحدهای تجاری از طریق روابط سیاستمداران با شرکت‌ها و یا مالکیت دولتی ایجاد می‌گردد (نلی ساری و آنوگراه^۷، ۲۰۱۱). ارتباطات سیاسی شرکت‌ها معمولاً در کشورهایی بیشتر است که سازوکار حاکمیت شرکتی در آن‌ها ضعیف و ناقص باشد. با وجود این، به اعتقاد گلدمن و همکاران^۸ (۲۰۰۹) شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی صرفاً به کشورهای دارای ضعف در اجرای قانون محدود نمی‌شوند و وجود ارتباطات سیاسی حتی در کشورهایی نظیر ایالات متحده که قوانین به خوبی اجرا می‌شود نیز قابل مشاهده است. این شرکت‌ها

1. Relationship-based economics
2. Shleifer & Vishny
3. Civilize
4. Sobel & Graefe-Anderson
5. Haber
6. Chaithanakij
7. Nelly Sari & Anugerah
8. Goldman

مشکلات نمایندگی شدیدی دارند و نظارت مؤثر داخلی و خارجی بر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی معمولاً ضعیف است که منجر به افشای اطلاعات کم کیفیت از سوی آن‌ها می‌گردد؛ چرا که آن‌ها قادرند با استفاده از روابط خود با دولت از زیر بار استانداردها و مقررات حاکم بر بازار شانه خالی کنند و برای اقدامات آنان هیچ‌گونه مجازات و یا جریمه‌ای صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال، دستکاری اطلاعات در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی باعث می‌شود تا اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین در اختیار سهامداران اقلیت قرار گیرد (چنی و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین وجود ارتباطات سیاسی و مالکیت دولتی در شرکت‌ها ممکن است منجر به این شود که اطلاعات مؤثر و با اهمیت در قیمت سهام افشا نگردد (گراسمن و استیگلitz^۱، ۱۹۸۰). در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، بر خلاف شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی ارائه اطلاعات با کیفیت پایین منجر به افزایش هزینه‌های بدهی نمی‌شود. بنابراین، مدیران این شرکت‌ها به راحتی می‌توانند منجر به گمراهی سرمایه‌گذاران گردند و با ارائه اطلاعاتی مبهم به سهامداران، محیط اطلاعاتی شرکت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (شیواکومار^۲، ۲۰۰۰). در حقیقت، کیفیت و کمیت اطلاعات حسابداری موجود در صورت‌های مالی افشا شده توسط شرکت به طور جدی تحت تأثیر نفوذ سیاسی موجود در شرکت قرار دارد. شواهد تجربی نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای نفوذ سیاسی بیشتر، شفافیت کمتری دارند (لین و همکاران، ۲۰۱۵).

کیفیت اطلاعات حسابداری و تجدید ارائه صورت‌های مالی

قابلیت اتکا و مربوط بودن، اصلی‌ترین ویژگی‌های کیفی هستند که منجر به سودمندی اطلاعات برای استفاده‌کنندگان می‌شود. قابل اتکا نبودن صورت‌های مالی از دو طریق منجر به زیان استفاده‌کنندگان از آن‌ها می‌شود. نخست، اگر اطلاعات درست نباشند باید پس از مدتی در آن‌ها تجدید نظر کرد، چنین وضعی باعث می‌شود بر محاسباتی که سرمایه‌گذار برای اتخاذ تصمیم کنونی انجام می‌دهد اثر معکوس بگذارد. دوم، اگر مدیر

1. Grossman and Stiglitz

2. Shivakumar

در تهیه و ارائه صورت‌های مالی اطلاعات ساختگی ارائه کند این اطلاعات بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران نیز اثر معکوس خواهد گذاشت (اسکات و اوبراین^۱، ۲۰۰۳). طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، اطلاعاتی اتکاپذیر است که از اشتباه و تمایلات جانبدارانه خالی باشد. تحقیقاتی که پیشتر در ایران انجام گرفته است نشان می‌دهد که درصد بالایی از شرکت‌های ایرانی به دلیل اصلاح اشتباهات حسابداری، صورتهای مالی را تجدید ارائه و رقمی را تحت عنوان تعدیلات سنواتی گزارش می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری شرکت‌ها از نظر ویژگی عاری از اشتباه بودن مورد تردید است (نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۱). تجدید ارائه صورت‌های مالی نشانه‌هایی از قابلیت اتکای پایین و یا وجود خطا در صورت‌های مالی منتشر شده دوره یا دوره‌های قبل ارائه می‌کند (دیچاو^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). تجدید ارائه صورت‌های مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران نه تنها بیانگر مشکلات عملکرد دوره گذشته است، بلکه نوعی پیش‌بینی مشکلات آتی برای شرکت و مدیریت آن نیز محسوب می‌شود. در حقیقت تعدیلات سنواتی حامل یک پیام منفی در مورد اعتبار صورت‌های مالی است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۲). در نتیجه، تجدید ارائه، شاخصی برای سرمایه‌گذاران است که نشان می‌دهد مدیران قابل اعتماد نیستند و اطلاعات مالی منتشر شده توسط مدیران قابلیت اتکای پایینی داشته است. هم‌چنین تجدید ارائه این احتمال را افزایش می‌دهد که مدیران در انتخاب رویه‌های حسابداری به شکل فرصت‌طلبانه از اختیارات خود استفاده کنند (رحمانی و نجف‌تومرایی، ۱۳۹۱). تجدید ارائه صورت‌های مالی نشانه‌هایی از قابلیت اتکای پایین و یا وجود خطا در صورت‌های مالی منتشر شده دوره یا دوره‌های قبل ارائه می‌کند.

پیشینه پژوهش

یافته‌های پژوهش خواجه‌جو و حسینی (۱۳۸۹) نشان داد که بین ساختار سرمایه و حمایت سیاسی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، در ایران نیز ساختار سرمایه شرکت‌های دولتی از کارایی لازم برخوردار نیست و لازم است برای رسیدن به ساختار

1. Scott & O'Brien
2. Dechow

سرمایه بهینه، کنترل‌های بیشتری اعمال گردد که این مهم جز در سایه اجرای صحیح خصوصی سازی مقدور نیست.

محمودآبادی و نجفی (۱۳۹۲) به بررسی نقش شفافیت اطلاعات در تبیین رابطهی حمایت سیاسی دولت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین حمایت سیاسی دولت و شفافیت اطلاعات، رابطه منفی وجود دارد.

نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که وجود روابط سیاسی در شرکت‌ها منجر به کاهش کیفیت ارقام تعهدی افشا شده آن‌ها می‌گردد.

یافته‌های پژوهش آقای و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که کیفیت سود به‌طور معناداری از دوره تحریف تا دوره بعد از تجدید ارائه افزایش یافته است. همچنین سایر متغیرها نظیر تغییر اندازه شرکت، تغییر فروش، تغییر جریان‌های نقدی حاصل از عملیات، تغییر نسبت بدهی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و مدت تصدی مدیرعامل با تغییر کیفیت سود در شرکت‌های تجدید ارائه کننده رابطه معناداری دارند.

رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) نشان دادند در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت آن‌ها متمرکز است، کیفیت سود بالاست؛ حال آنکه در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین، در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه‌ی سرمایه‌سهم عادی پایین است، ولی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه‌ی سرمایه‌سهم عادی بالا است.

یافته‌های پژوهش خواجهی و قدیریان‌آرانی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که کیفیت سود به گونه‌ای منفی بر وقوع تجدید صورت‌های مالی تاثیرگذار است. اما تنها کیفیت ارقام تعهدی بر وقوع تجدید ارائه از نظر آماری معنادار است. همچنین، هرچه کیفیت سود گزارش شده کمتر باشد، شدت تجدید ارائه بیشتر خواهد شد.

یافته‌های پژوهش چالشگری و جعفری (۱۳۹۴) حاکی از آن است که بین روابط سیاسی شرکت‌ها و کیفیت سود آن‌ها رابطه‌ای وجود ندارد.

پلنگی و پورآقاجان (۱۳۹۵) نشان دادند که بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود (کیفیت اقلام تعهدی) رابطه منفی وجود دارد. همچنین، ارتباطات سیاسی هیأت مدیره بر رابطه بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود تأثیرگذار نیست.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) بر کیفیت گزارش‌گری مالی، به این نتیجه رسیدند که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارش‌گری مالی دارد.

رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که ارتباطات سیاسی با سود نقدی سهام و بازده سهام رابطه مثبت دارد.

حسینی و بحیرایی (۱۳۹۸) نشان دادند که ارتباطات سیاسی بر افشای داوطلبانه اطلاعات تأثیر منفی دارد. در حقیقت شرکت‌هایی که از ارتباطات سیاسی بیشتری برخوردار هستند، تمایلی به افشای داوطلبانه اطلاعات ندارند.

یافته‌های پژوهش عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که بین ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، میان معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری برقرار نیست اما با افزودن متغیر تعدیلگر ارتباطات سیاسی، وجود رابطه مثبت و معنادار بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تأیید گردید.

لئوز و ابرهولزر-گی (۲۰۰۶) به بررسی نقش روابط سیاسی، تأمین مالی جهانی و شفافیت اطلاعات، پرداخت و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که از روابط سیاسی خوبی با دولت برخوردارند، تمایل کمتری به دسترسی به منابع تأمین مالی جهانی، دارند.

پژوهش پنگ (۲۰۰۷) نشان داد میزان تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های تحت کنترل دولت، نسبت به شرکت‌هایی که توسط سهامداران غیردولتی کنترل می‌شوند، بیشتر است. همچنین عدم مالکیت متمرکز و وجود مالکیت دولتی به دلیل عدم کارایی در نظارت بر مدیران، منجر به ایجاد فرصت بیشتر دستکاری درآمدها می‌گردد.

نتایج پژوهش صالح و دونمور^۱ (۲۰۰۹) نشان داد، زمانی که حضور سیاستمداران در هیأت مدیره شرکت‌ها، به عنوان نماینده حمایت سیاسی دولت در نظر گرفته می‌شود، حمایت سیاسی دولت منجر به تضعیف حاکمیت شرکتی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛ اما زمانی که مالکیت دولتی به عنوان نماینده حمایت سیاسی دولت در نظر گرفته می‌شود، حمایت سیاسی دولت منجر به بهبود کیفیت حاکمیت شرکتی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

چنی و همکاران (۲۰۱۱) طی پژوهشی به مقایسه کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی و غیرسیاسی پرداختند. شواهد پژوهش آنها نشان داد که کیفیت سود در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به طور معناداری ضعیف‌تر از شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی است. به علاوه، آنها نشان دادند که اگرچه کیفیت سود گزارش شده در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پایین‌تر از شرکت‌های فاقد آن ارتباطات است ولی آنها توسط بازار جریمه نشدند زیرا هزینه بدهی پایین‌تری در مقایسه با شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی داشتند.

زنگ و همکاران^۲ (۲۰۱۲) دریافتند دولت و بازار سرمایه نظارتی، در تنظیم و نظارت ارتباطات سیاسی غفلت و مجازات‌های ضعیفی برای رفتارهای غیرقانونی افشا اتخاذ می‌کنند. لذا، شرکت‌های خصوصی دارای ارتباطات سیاسی، کیفیت سود پایین‌تری نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی دارند. علاوه بر این، ارتباطات سیاسی این شرکت‌ها، فرصت مدیریت سود را نیز برای آنها ایجاد می‌کند.

وو و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی دو عامل تأثیرگذار یعنی سرمایه‌گذاران نهادی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر تقلب در شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ارتباطات سیاسی و سرمایه‌گذاران نهادی دارای نقش مهمی در کاهش میزان تقلب در محیط‌هایی دارای ضعف قانون دارند.

1. Salleh & Dunmore

2. Zeng

نارایاناسوامی^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی دریافت که شرکت‌های دارای روابط سیاسی که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی شده‌اند نسبت به سایر شرکت‌ها سود با کیفیت کمتری را گزارش می‌دهند.

لیو و همکاران (۲۰۱۴) این نتیجه رسیدند که شرکت‌های تحت مالکیت دولت از کیفیت سود پایین‌تری برخوردارند.

برام^۲ و همکاران (۲۰۱۵) با انجام پژوهشی نشان دادند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، اغلب مدیریت سود واقعی را بیشتر از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی به کار می‌گیرند. اگرچه مدیریت سود واقعی پر هزینه‌تر است، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به دلیل پنهان‌کاری بالاتر و نیز داشتن پتانسیل سرپوش نهادن بر منافع ناشی از این ارتباطات، این استراتژی را ترجیح می‌دهند.

الدماری و کو اسماعیل^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود دریافتند که از دید سرمایه‌گذاران سود شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی دارای کیفیت پایین است. یافته‌های مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران باید بنگاه‌های اقتصادی را ترغیب به افشای اطلاعات در مربوط به روابط خود با دولت، احزاب سیاسی یا سیاستمداران کنند تا سرمایه‌گذاران و کلیه اشخاص ذینفع بتوانند از این اطلاعات برای ارزیابی بهتر کیفیت سود شرکت استفاده کنند.

چی^۴ و همکاران (۲۰۱۶) با انجام پژوهشی در بازار سهام تایوان به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که اعضای هیأت مدیره آن‌ها دارای ارتباطات سیاسی هستند نسبت به سایر شرکت‌ها گزارشات مالی تجدید ارائه شده بیشتری ارائه می‌دهند.

جینگ^۵ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که سطح مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌هایی که دارای مدیرانی با ارتباطات سیاسی هستند، کمتر از سایر شرکت‌ها است. هم‌چنین با وجود اینکه تشخیص مدیریت سود واقعی از مدیریت سود مبتنی بر ارقام

-
1. Narayanaswamy
 2. Braam
 3. AL-Dhamari & Ku Ismail
 4. Chi
 5. Jing

تعهدی دشوارتر است، در شرکت‌هایی که مدیران مرتبط با سیاست هستند، مدیریت سود واقعی بیشتر است.

نتایج پژوهش هریماون و نولند^۱ (۲۰۱۶) نشان داد، افزایش کارایی دولت، مزایای ارتباطات سیاسی را کاهش می‌دهد و و این امر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی را ملزم می‌کند تا نسبت به فشارهای بازار واکنش نشان دهند و منجر به افزایش کیفیت سود شوند. با وجود این، افزایش ثبات سیاسی، اطمینان ناشی از منافع حاصل از ارتباطات سیاسی را افزایش می‌دهد و نیاز به شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به منظور پاسخ به فشارهای بازار را کاهش می‌دهد و در نتیجه پایین آمدن کیفیت سود را در پی خواهد داشت.

نتایج یافته‌های احمد^۲ (۲۰۱۸) نشان داد که شرکت‌های دارای روابط سیاسی با نهادهای غیر نظامی هزینه‌های حسابرسی قابل توجهی پرداخت می‌کنند، در حالی که شرکت‌های دارای روابط سیاسی با نهادهای نظامی، هزینه‌های حسابرسی بسیار اندکی را نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی پرداخت می‌کنند. علاوه بر این نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ارتباطات با نهادهای غیر نظامی سطح قابل توجهی از میزان اقلام تعهدی اختیاری را گزارش می‌دهند که حاکی از کیفیت پایین سود در این - گونه شرکت‌ها است.

بونا سانچز^۳ و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که شرکت‌های خانوادگی دارای ارتباطات سیاسی نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات، اطلاعات در آمدی بیشتری را افشا می‌نمایند. هم‌چنین گزارشات این شرکت‌ها کیفیت سود بهتری را نمایش می‌دهد و منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

فرضیه‌های پژوهش

مطابق آنچه که در مبانی نظری و پیشینه پژوهش بیان شد، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از یک پشتوانه سیاسی برخوردارند و بابت ارائه اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین

1. Harymawan & Nowland

2. Ahmad

3. Bona-Sánchez

نگرانی ندارند، چرا که فشار بازار سرمایه بر این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی پایین‌تر است. در واقع اکثر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی با توجه به دسترسی آسان‌تر به منابع مالی از طریق روابط سیاسی، اطلاعات مالی با کیفیتی ارائه نمی‌کنند. از طرفی تجدید ارائه صورت‌های مالی حاکی از قابلیت اتکای پایین و یا وجود خطا در صورت‌های مالی منتشر شده دوره یا دوره‌های قبل است به طوری که در پژوهش‌های پیشین به‌عنوان معیار معکوسی از کیفیت اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است (دیچاو و همکاران، ۲۰۱۰؛ مهدوی و قدیریان‌آرانی، ۱۳۹۶؛ برزگری خانقاه و قدیریان‌آرانی، ۱۳۹۷). با توجه به این که بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اقدام به تجدید ارائه صورت‌های مالی خود می‌کنند در این پژوهش، تأثیر ارتباطات سیاسی بر رخداد تجدید ارائه و شدت آن به عنوان سنجه‌هایی معکوس از کیفیت اطلاعات مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر ارائه شده‌اند:

- فرضیه ۱: ارتباطات سیاسی بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی بر شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

روش

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی است و از لحاظ راهبرد در حوزه پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد. داده‌های مورد نیاز جهت اندازه‌گیری متغیرها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار رهاورد نوین و صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها استخراج شده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۳ آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزارهای Eviews10 و Stata14 تجزیه و تحلیل شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۶ است. در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری آماری استفاده نشده است اما شرکت‌های مورد بررسی بر اساس محدودیت‌های زیر انتخاب شده‌اند:

- سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد و طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ تغییر سال مالی نداشته باشد.
- جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد.
- شرکت‌ها به لحاظ ارتباط سیاسی یا غیر سیاسی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ تغییر نکرده باشند.
- کلیه داده‌های مورد نیاز آن‌ها قابل دسترس و در اختیار باشد.

با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های یاد شده، تعداد ۱۰۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۶ به عنوان نمونه انتخاب شده است. شایان ذکر است هرچند قلمرو زمانی این پژوهش محدود به بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۶ است، اما جهت به دست آوردن داده‌های مربوط به تجدید ارائه سال ۱۳۹۶، از صورت‌های مالی سال ۱۳۹۷ استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

با توجه به فرضیه‌های مطرح شده، متغیرهای وابسته پژوهش عبارتند از وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی و شدت آن. در پژوهش حاضر همچون پژوهش‌های هیرشی^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، خواجهی و همکاران (۱۳۹۴) و برزگری خانقاه و قدیریان‌آرانی (۱۳۹۷) شدت تجدید ارائه، به وسیله میزان تجدید ارائه سود خالص محاسبه شده که در رابطه (۱) آورده شده است.

$$RESM = \frac{|RESNI_{i,t} - NI_{i,t}|}{TA_{i,t}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

RESM: شدت تجدید ارائه سود؛ RESNI: سود خالص تجدید ارائه شده؛ NI: سود خالص گزارش شده اولیه؛ TA: کل دارایی‌ها.

متغیر مستقل

ارتباطات سیاسی، متغیر مستقل پژوهش حاضر است. نفوذ و مالکیت دولت در شرکت‌ها در بسیاری از پژوهش‌های پیشین (برای نمونه خواجه‌وی و حسینی، ۱۳۸۹؛ نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲؛ محمودآبادی و نجفی، ۱۳۹۲؛ مهربان‌پور و همکاران، ۱۳۹۶؛ اعتمادی و احمدی گرجی، ۱۳۹۶؛ رهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۷؛ اخگر و کرانی، ۱۳۹۸؛ دینچ^۱، ۲۰۰۵؛ آدهیکاری^۲ و همکاران، ۲۰۰۶؛ ساری و آنوگراه^۳، ۲۰۱۱) برای اندازه‌گیری ارتباطات سیاسی استفاده شده است. در پژوهش حاضر نیز همچون پژوهش‌های اعتمادی و احمدی گرجی (۱۳۹۶) و اخگر و کرانی (۱۳۹۸) به منظور تعیین حداقل درصد مالکیت ممکن جهت تعیین ارتباطات سیاسی قوی، داشتن نفوذ قابل ملاحظه و توانایی راهبری سیاست‌های مالی و عملیاتی یک واحد تجاری، درصد مالکیت حداقل ۵۰ درصد تعیین شد. در نتیجه، چنانچه درصد مالکیت دولت و نهادهای شبه دولتی و وابسته به دولت در شرکت حداقل ۵۰ درصد باشد، مقدار ارتباطات سیاسی برابر یک و در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای کنترلی

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، عوامل مختلفی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تاثیرگذار است که در این پژوهش به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته می‌شوند: بر اساس پژوهش‌های پیشین اهرم مالی (همچون لین و همکاران، ۲۰۰۴؛ چن^۴ و همکاران، ۲۰۰۹؛ نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰؛ خواجه‌وی و قدیریان آرانی، ۱۳۹۴؛ و برزگری‌خانقاه و قدیریان آرانی، ۱۳۹۷)، سودآوری (همچون دسای^۵ و همکاران، ۲۰۰۶؛ شاور^۶، ۲۰۰۷؛ نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰؛ و خواجه‌وی و همکاران، ۱۳۹۴)، اندازه شرکت (همچون لین و همکاران، ۲۰۰۴؛ و دسای و همکاران، ۲۰۰۶)، رشد فروش (همچون ابوت^۷ و همکاران،

1. Dinç
2. Adhikari
3. Sari & Anugerah
4. Chen
5. Desai
6. Shawver
7. Abbott

۲۰۰۴؛ اگراوال و چندها، ۲۰۰۵؛ رضازاده و همکاران، ۱۳۹۶) و سن شرکت (همچون ابوت و همکاران، ۲۰۰۴؛ چی و همکاران، ۲۰۱۶) از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تجدید ارائه صورت‌های مالی هستند. بنابراین در این پژوهش اهرم مالی، سودآوری، اندازه، رشد و سن شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است. متغیرهای یادشده به ترتیب از طریق نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی، نرخ بازده دارایی‌ها (نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها)، لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها و لگاریتم سال‌های فعالیت شرکت اندازه‌گیری شده است.

الگوهای آزمون فرضیه‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل موجود، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوهای رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$RES_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 POLCON_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 SIZ_{i,t} + \beta_5 GROW_{i,t} + \beta_6 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$$RESM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 POLCON_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 SIZ_{i,t} + \beta_5 GROW_{i,t} + \beta_6 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

RES: وقوع تجدید ارائه، یک در صورت وقوع تجدید ارائه و صفر در صورت عدم وقوع تجدید ارائه؛ RESM: شدت تجدید ارائه؛ POLCON: ارتباطات سیاسی، یک در صورت داشتن ارتباطات سیاسی و صفر در صورت عدم ارتباط؛ LEV: اهرم مالی؛ ROA: سودآوری؛ SIZE: اندازه شرکت؛ GROW: رشد فروش؛ و AGE: سن شرکت.

یافته‌ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره ۱ نشان داده شده است. آماره میانگین نشان می‌دهد که حدود ۷۶ درصد از شرکت‌های نمونه، صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده‌اند، مقایسه این یافته با تعداد موارد تجدید ارائه در دیگر کشورها بیانگر آن است که تجدید ارائه در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بسیار متداول‌تر

است؛ به عنوان مثال سرینیواسن^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود با بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های فعال در ۵۲ کشور مختلف، و مقایسه میزان تجدید ارائه صورت‌های مالی آن‌ها با شرکت‌های ایالت متحده، نشان دادند که میانگین میزان تجدید ارائه در نمونه بررسی شده حدود ۱۳ درصد است. افزون بر این میانگین متغیر ارتباطات سیاسی نشانگر این است که حدود ۵۷ درصد مشاهدات دارای ارتباطات سیاسی هستند.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرها طی دوره پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تجدید ارائه	RES	۰/۷۶۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۷	-۱/۲۱۷	۲/۴۸۱
شدت تجدید ارائه	RESM	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷	۷/۶۱۷	۸۴/۲۱۷
ارتباطات سیاسی	POLCON	۰/۵۷۴	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۵	-۰/۳۰۰	۱/۰۹۰
اهرم مالی	LEV	۰/۶۶۷	۰/۶۴۸	۴/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۲۹۰	۳/۱۷۳	۳۰/۰۵۱
سودآوری	ROA	۰/۱۳۴	۰/۱۰۷	۰/۶۴۵	-۰/۲۵۸	۰/۱۲۷	۰/۸۹۰	۱/۵۷۷
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۱۹۹	۱۴/۰۵۰	۱۹/۲۴۹	۱۰/۵۰۵	۱/۵۰۱	۰/۶۵۲	۳/۶۰۵
رشد شرکت	GROW	۱/۱۸۲	۱/۰۹۴	۸/۸۱۶	۰/۰۶۹	۰/۴۸۰	۶/۲۷۶	۸۶/۷۹۲
سن شرکت	AGE	۱/۴۴۱	۱/۵۵۶	۱/۸۱۳	۰/۷۷۸	۰/۲۸۴	-۰/۷۶۵	۲/۲۰۹

*منبع: یافته‌های پژوهش

برای انتخاب از بین روش اثرات ثابت، تصادفی و مشترک از آزمون‌های چاو و هاسمن استفاده شد. نتایج به دست آمده از این آزمون‌ها و نوع الگوی مناسب برای برازش هر یک از فرضیه‌های پژوهش در نگاره ۲ ارائه شده است. با توجه به نتایج آزمون چاو و هاسمن، الگوی اثرات ثابت برای آزمون فرضیه اول و الگوی داده‌های تلفیقی برای فرضیه دوم پژوهش انتخاب شد.

نگاره ۲. نتایج مربوط به انتخاب الگوی آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون	خلاصه نتایج آزمون هاسمن		خلاصه نتایج آزمون اف لیمیر		فرضیه
	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	
الگوی تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۳۴	۱۳/۶۲۹	۰	۱۱/۶۲۵	فرضیه اول
الگوی داده‌های تلفیقی	-	-	۰/۱۷۱	۱/۴۸۰	فرضیه دوم

*منبع: یافته‌های پژوهش

نگاره (۳) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش را با استفاده از الگوی رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد. با توجه به اطلاعات مندرج در نگاره (۳) ملاحظه می‌شود که آماره χ^2 در سطح خطای ۰/۰۵ درصد معنادار است و این یعنی الگوی برازش شده مدل به‌طور کلی معنادار است. با توجه به ضریب متغیر (۰/۴۷۹) و سطح معنی‌داری آماره Z مربوط به متغیر مستقل (۲/۵۸۰)، ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان معیار معکوسی از کیفیت اطلاعات حسابداری تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. به بیان دیگر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی اطلاعات با کیفیت کمتری را نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی منتشر می‌کنند.

نگاره ۳. نتایج آزمون فرضیه اول

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب متغیر	خطای استاندارد	آماره آزمون
ارتباطات سیاسی	POLCON	۰/۴۷۹	۰/۱۸۶	۲/۵۸۰
اهرم مالی	LEV	۰/۸۴۲	۰/۳۲۹	۲/۵۶۰
سودآوری	ROA	۰/۰۹۵	۰/۱۵۱	۰/۶۳۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۳۶	۰/۰۶۴	-۰/۵۷۰
رشد شرکت	GROW	۰/۰۴۵	۰/۱۸۵	۰/۲۴۰
سن	AGE	۰/۰۶۴	۰/۳۲۸	۰/۲۰۰
آماره LR (χ)		۱۳/۸۵۰	سطح معناداری آماره LR	

*منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش با استفاده از الگوی رگرسیون داده‌های تلفیقی، در نگاره (۵) نشان داده شده است. در ابتدا به منظور تبیین نتایج کاراتر رگرسیون، به

بررسی فرض ناهمسانی واریانس می‌پردازیم. طبق نتیجه آزمون وایت که در نگاره (۴) نشان داده شده است، در جملات اخلاص ناهمسانی واریانس وجود دارد، لذا به منظور رفع اخلاص و داشتن نتایج قوی‌تر، مدل بصورت (GLS) تخمین زده شده است.

نگاره ۴. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه	سطح معنی داری	آماره آزمون	مدل های پژوهش
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۴/۳۸۱	فرضیه (مدل) دوم

*منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار آماره F و سطح معنی داری مربوط به آن در الگوی دوم بیانگر معنی دار بودن کلی الگوی رگرسیون برآزش شده است. نتایج نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی بر شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان معیار معکوسی از کیفیت اطلاعات حسابداری تاثیر مثبت (۰/۰۰۱) و معنی داری (۰/۰۰۱) در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. به بیان دیگر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی اطلاعات با کیفیت پایین‌تری را نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی منتشر می‌کنند.

نگاره ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب متغیر	خطای استاندارد	آماره آزمون	سطح معناداری	VIF
ضریب ثابت	C	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۲۲۰	۰/۸۲۶	-
ارتباطات سیاسی	POLCON	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۳/۳۱۲	۰/۰۰۱	۱/۱۱۴
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۳/۵۵۰	۰/۰۰۰	۱/۰۵۱
سودآوری	ROA	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۳/۲۵۸	۰/۰۰۱	۱/۰۳۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۱/۳۷۷	۰/۱۶۹	۱/۱۲۸
رشد شرکت	GROW	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۱۱/۰۰۶	۰/۰۰۰	۱/۰۳۰
سن	AGE	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۱	۰/۸۷۲	۱/۰۶۷
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۶۰	آماره F			۲۶/۵۷۵
آماره دوربین واتسون		۱/۸۶۷	احتمال آماره F			۰/۰۰۰

*منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

وجود ارتباطات سیاسی برای شرکت‌ها یک منبع ارزشمند است، چرا که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به راحتی به منابع مالی و سایر مزایا نظیر معافیت‌های مالیاتی و یارانه‌های دولتی دست می‌یابند. مزایای ناشی از ارتباطات سیاسی این امکان را بوجود می‌آورد که ارائه اطلاعات با کیفیت برای مدیران شرکت‌ها چندان مهم نباشد. بنابراین ارتباطات سیاسی می‌تواند کیفیت اطلاعات شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی تجربی تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر کیفیت اطلاعات منتشر شده از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به همین منظور، تأثیر ارتباطات سیاسی بر رخداد تجدید ارائه صورت‌های مالی و شدت آن به‌عنوان معیارهای معکوسی از کیفیت اطلاعات حسابداری در نمونه‌ای شامل ۱۰۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۶ بررسی شد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر وقوع و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان سنج‌های معکوس کیفیت اطلاعات حسابداری به‌گونه‌ای مثبت تأثیر گذار است. به بیان دیگر، ارتباطات سیاسی عامل مهمی در پایین بودن کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها است که در وقوع و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی در سال(های) آتی نمایان می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین نظیر پنگ (۲۰۰۷) و چی و همکاران (۲۰۱۶) مبنی بر بیشتر بودن تجدید ارائه صورت‌های مالی در بین شرکت‌های دولتی و شرکت‌های با ارتباطات سیاسی همراستا می‌باشد. افزون بر این، با توجه به اینکه تجدید ارائه صورت‌های مالی و میزان آن نشانه‌ای از پایین بودن کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها است (خواجهی و قدیریان‌آرانی، ۱۳۹۴)، یافته‌های پژوهش حاضر با مبانی نظری مطرح شده در خصوص نقش ارتباطات سیاسی در کیفیت اطلاعات و همچنین یافته‌های پژوهش‌های صالح و دونمور (۲۰۰۹)، زنگ و همکاران (۲۰۱۲)، لیو و همکاران (۲۰۱۴)، محمودآبادی و نجفی (۱۳۹۲)، رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) همراستا

و با نتایج پژوهش‌های وو و همکاران (۲۰۱۲)، هریمائون و نولند (۲۰۱۶) و بونا سانچز و همکاران (۲۰۱۹) ناسازگار است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر نقش ارتباطات سیاسی در کاهش کیفیت اطلاعات مالی و با توجه به حضور و مداخله پررنگ دولت در شرکت‌ها، به نهادهای نظارتی پیشنهاد می‌گردد به فرایند گزارشگری و افشای اطلاعات این گونه شرکت‌ها بیشتر توجه داشته باشند؛ همچنین به سازمان بورس و اوراق بهادار توصیه می‌گردد سازوکار بهینه‌ای جهت افشای اطلاعات مرتبط با ارتباطات سیاسی شرکت‌ها را فراهم نمایند. علاوه بر این، به حسابرسان توصیه می‌شود به منظور حمایت از سهامداران غیر دولتی شرکت‌ها و سایر ذینفعان در حسابرسی شرکت‌های با ارتباطات سیاسی احتمال پایین بودن قابلیت اتکای اطلاعات مالی آن‌ها را در برنامه‌ریزی‌های خود مد نظر قرار دهند. از طرفی، با توجه به وجود رابطه منفی بین ارتباطات سیاسی و کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها و همچنین پیامدهای پایین بودن کیفیت اطلاعات شرکت‌ها (از جمله زیاد بودن عدم تقارن اطلاعاتی، خطر اخلاقی، انتخاب نادرست، هزینه‌های معاملاتی، هزینه سرمایه، انتقال ناعادلانه ثروت) پیشنهاد می‌شود کاهش مالکیت دولتی در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به نحو شایسته انجام و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی واگذار شوند. افزون بر این پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران در انتخاب شرکت‌ها جهت سرمایه‌گذاری ارتباطات سیاسی آن‌ها را مد نظر قرار دهند، زیرا مطابق نتایج این پژوهش، وجود چنین ارتباطاتی کیفیت اطلاعات آن‌ها را کاهش می‌دهد و ممکن است اطلاعاتی که شرکت‌های دارای روابط سیاسی منتشر می‌کنند و بر تصمیم‌گیری جهت انتخاب سرمایه‌گذاری موثر است، نشان‌دهنده تمام وقایع شرکت نباشد و سبب گمراهی سرمایه‌گذاران گردد.

تعارض منافع: تعارض منافع ندارم.

orcid

Shokrolah Khajav



<https://orcid.org/0000-0002-4889-1135>

Hashem Nasirifar



<https://orcid.org/0000-0003-0576-7625>

Mohammad-Hossein Ghadirian-
Arani



<https://orcid.org/0000-0003-2474-6010>



منابع

- اخگر، محمد امید، کرانی، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اصطکاک‌های بازار بر محدودیت مالی با تأکید بر ارتباطات سیاسی، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۲)، ۱۷-۳۸.
- اعتمادی، حسین، احمدی گورجی، جلیل. (۱۳۹۶). بررسی اثر ارتباط سیاسی بر سرمایه‌گذاری و کاهش محدودیت‌های تأمین مالی در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۹(۳۴)، ۴-۲۳.
- آقایی، محمدعلی، زلفی، حسن، اعتمادی، حسین، انواری رستمی، علی اصغر. (۱۳۹۲). تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر کیفیت اقلام تعهدی. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲(۳)، ۱۱۹-۱۴۷.
- برزگری خانقاه، جمال، قدیریان آرانی، زهره. (۱۳۹۷). قابلیت اتکای اطلاعات مالی و هزینه‌های نمایندگی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۰(۳)، ۱۰۳-۱۱۸.
- پلنگی، جواد، پورآقاجان سرحمامی، عباسعلی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیئت مدیره بر رابطه بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود. *کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی نیکان*.
- چالشگری، آزاده، جعفری، علی. (۱۳۹۴). بررسی نقش روابط سیاسی شرکت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی*.
- حسینی، سیدعلی، افسانه بحیرایی (۱۳۹۸). تأثیر ارتباطات سیاسی بر افشای داوطلبانه در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۶(۲)، ۱۷۵-۱۵۱.
- خواجوی، شکراله، حسینی، سیدحسین. (۱۳۸۹). بررسی رابطه حمایت سیاسی دولت و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، ۲(۱)، ۶۷-۸۴.
- خواجوی، شکراله، قدیریان آرانی، محمد حسین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت سود بر تجدید ارائه صورت‌های مالی. *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، ۷(۲)، ۵۹-۸۴.

- رحمانی، علی، نجف تومرایی، المیرا. (۱۳۹۱). تجدید ارائه صورت‌های مالی و ریسک اطلاعاتی. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۹(۳۴)، ۳۳-۵۴.
- رضایی، فرزین، ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۱)، ۴۴۹-۴۷۰.
- رفیعی، افسانه، محمد حسین صفرزاده. (۱۳۹۳). تجدید ارائه صورت‌های مالی و عوامل موثر بر آن در صنایع مختلف. مجله دانش حسابداری، ۱۴(۵۵)، ۱۷۵-۱۹۴.
- رهنمای رودپشتی، فریدون، محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۱(۳۸)، ۱۲۹-۱۴۴.
- عباس‌زاده، مجمدرضد، رجبعلی‌زاده، جواد و مصطفی قناد (۱۳۹۸). ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۶(۳)، ۱۵۵-۱۲۹.
- محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره ۳۴، ۲۷۳-۲۹۱.
- محمودآبادی، حمید و نجفی، زهرا. (۱۳۹۲). نقش شفافیت اطلاعات در تبیین رابطه بین حمایت سیاسی دولت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۶(۱۸)، ۵۷-۷۱.
- منصورفر، غلامرضا، قادری، بهمن و فاطمه دانشیار. (۱۳۹۶). فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۱)، ۱۴۲-۱۱۳.
- مهدوی، غلامحسین، قدیریان‌آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). قابلیت اتکای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مجله بررسی‌های حسابداری، ۵(۱۷)، ۹۷-۱۱۴.

مهربانپور، محمدرضا، جندقی قمی، محمد، و محمدی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲ (۳)، ۱۴۷-۱۶۸.

نیکبخت، محمدرضا، رفیعی، افسانه. (۱۳۹۱). تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران. مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری، ۳ (۹)، ۱۶۷-۱۹۴.

نیکومرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، رهنمای رودپشتی، فریدون و کیانی، علی. (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۶ (۱۸)، ۳۱-۴۳.

References

- Abbott, L. J., Parker, S., & Peters, G. F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(1), 69-87.
- Agrawal, A., & Chadha, S. (2005). Corporate governance and accounting scandals. *The Journal of Law and Economics*, 48(2), 371-406.
- Ahmad, F. (2018). *The impact of corporate political connections and political instability on audit fees and earnings quality in Pakistan: a thesis presented in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Accountancy at Massey University, Albany, New Zealand* (Doctoral dissertation, Massey University).
- Al-dhamari, R., & Ku Ismail, K. N. I. (2015). Cash holdings, political connections, and earnings quality: Some evidence from Malaysia. *International Journal of Managerial Finance*, 11(2), 215-231.
- Archambeault, D. S., DeZoort, F. T., & Hermanson, D. R. (2008). Audit committee incentive compensation and accounting restatements. *Contemporary Accounting Research*, 25(4), 965-992.
- Ball, R., Robin, A., & Wu, J. S. (2003). Incentives versus standards: properties of accounting income in four East Asian countries. *Journal of Accounting and Economics*, 36(1-3), 235-270.
- Jebaraj Benjamin, S., Mat Zain, M., & Abdul Wahab, E. A. (2016). Political connections, institutional investors and dividend payouts in Malaysia. *Pacific Accounting Review*, 28(2), 153-179.
- Bona-Sánchez, C., Pérez-Alemán, J., & Santana-Martín, D. J. (2019). Earnings credibility in politically connected family firms. *The British Accounting Review*, 51(3), 316-332.
- Braam, G., Nandy, M., Weitzel, U., & Lodh, S. (2015). Accrual-based and real earnings management and political connections. *The International Journal of Accounting*, 50(2), 111-141.

- Byard, D., Li, Y., & Weintrop, J. (2006). Corporate governance and the quality of financial analysts' information. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25(5), 609-625.
- Cao, Y., Myers, L. A., & Omer, T. C. (2012). Does company reputation matter for financial reporting quality? Evidence from restatements. *Contemporary Accounting Research*, 29(3), 956-990.
- Chaithanakij, S. (2006). Cultural effects on corporate governance in Thailand: a study through the Three-pillared Model. Available at SSRN 938375.
- Chaney, P. K., Faccio, M., & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51(1-2), 58-76.
- Chen, H. J., Lin, C. C., & Ke, J. L. (2009). An empirical study of the voluntary information disclosure on the fraudulent financial reporting detection. *Journal of Accounting and Corporate Governance*, 6(2), 1-30.
- Chi, J., Liao, J., & Chen, X. (2016). Politically connected CEOs and earnings management: evidence from China. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 21(3), 397-417.
- Chi, H. Y., Weng, T. C., & Huang, H. Y. (2016). The Relation between politically connected board and accounting restatements. *Sun Yat-sen Management Review*, 24(3), 409-445.
- Chowdhury, A., & Mavrotas, G. (2006). FDI and growth: what causes what?. *World Economy*, 29(1), 9-19.
- Civilize, S. (2012). *The impact of politics on stock return dynamics in emerging markets: a thesis presented in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Finance at Massey University* (Doctoral dissertation, Massey University).
- Claessens, S., & Fan, J. P. (2002). Corporate governance in Asia: A survey. *International Review of Finance*, 3(2), 71-103.
- Claessens, S., Feijen, E., & Laeven, L. (2008). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. *Journal of Financial Economics*, 88(3), 554-580.
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77(s-1), 35-59.
- Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 344-401.
- Desai, H., Hogan, C. E., & Wilkins, M. S. (2006). The reputational penalty for aggressive accounting: Earnings restatements and management turnover. *The Accounting Review*, 81(1), 83-112.

- Dinç, I. S. (2005). Politicians and banks: Political influences on government-owned banks in emerging markets. *Journal of Financial Economics*, 77(2), 453-479.
- Ecker, F., Francis, J., Kim, I., Olsson, P. M., & Schipper, K. (2006). A returns-based representation of earnings quality. *The Accounting Review*, 81(4), 749-780.
- European Commission. International Accounting Standard 1, Presentation of Financial Statements, European Commission Staff Consolidated Version 23-1. February 18, 2011.
- Frost, C. A., Gordon, E. A., & Pownall, G. (2008). Financial reporting and disclosure quality, and emerging market companies' access to capital in global markets. Available at SSRN 802824.
- Goldman, E., Rocholl, J., & So, J. (2008). Do politically connected boards affect firm value?. *The Review of Financial Studies*, 22(6), 2331-2360.
- Grossman, S. J., & Stiglitz, J. E. (1980). On the impossibility of informationally efficient markets. *The American Economic Review*, 70(3), 393-408.
- Haber, S. (2013). *Crony capitalism and economic growth in Latin America: Theory and evidence*. Hoover Institution Press.
- Harymawan, I., & Nowland, J. (2016). Political connections and earnings quality: how do connected firms respond to changes in political stability and government effectiveness?. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24(4), 339-356.
- Hirschey, M., Smith, K. R., & Wilson, W. M. (2010). Financial reporting credibility after SOX: Evidence from earnings restatements. Available at SSRN 1652982.
- Khwaja, A. I., & Mian, A. (2005). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. *The Quarterly Journal of Economics*, 120(4), 1371-1411.
- Leuz, C., & Oberholzer-Gee, F. (2006). Political relationships, global financing, and corporate transparency: Evidence from Indonesia. *Journal of Financial Economics*, 81(2), 411-439.
- Lin, J. W., Hwang, M. I., & Li, J. F. (2004). A neural fuzzy system approach to assessing the risk of earnings restatements. *Issues in Information Systems*, 5(1), 201-207.
- Lin, J. W., Li, J. F., & Yang, J. S. (2006). The effect of audit committee performance on earnings quality. *Managerial Auditing Journal*, 21(9), 921-933.
- Lin, K. J., Karim, K. E., & Carter, C. (2015). Why does China's stock market have highly synchronous stock price movements? An information supply perspective. *Advances in Accounting*, 31(1), 68-79.

- Liu, X., Saidi, R., & Bazaz, M. (2014). Institutional incentives and earnings quality: The influence of government ownership in China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 10(3), 248-261.
- Moore, E. A., & Pfeiffer, R. J. (2004). The effect of financial statement restatements on firms' financial reporting strategies. Available at SSRN 591333.
- Narayanaswamy, R. (2013). Political connections and earnings quality: Evidence from India. *IIM Bangalore Research Paper*, (433).
- Sari, R. N., & Anugerah, R. (2011). The effect of political influence and corporate transparency. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 7(8), 773.
- Nguyen, D., & Puri, T. N. (2014). Information asymmetry and accounting restatement: NYSE-AMEX and NASDAQ evidence. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 43(2), 211-244.
- Palmrose, Z. V., Richardson, V. J., & Scholz, S. (2004). Determinants of market reactions to restatement announcements. *Journal of Accounting and Economics*, 37(1), 59-89.
- Peng, Y. (2007). Ownership structure and financial restatements: Evidence from China [J]. *Economic Research Journal*, 9, 134-144.
- Piotroski, J. D., Wong, T. J., & Zhang, T. (2015). Political incentives to suppress negative information: evidence from Chinese listed firms. *Journal of Accounting Research*, 53(2), 405-459.
- Plumlee, M., & Yohn, T. L. (2010). An analysis of the underlying causes attributed to restatements. *Accounting Horizons*, 24(1), 41-64.
- Richardson, S., Tuna, I., & Wu, M. (2003). *Capital market pressures and earnings management: The case of earnings restatements*. University of Pennsylvania, unpublished.
- Salleh, M., & Bin, M. F. (2009). *Political influence, corporate governance and financial reporting quality: evidence from companies in Malaysia: a thesis presented in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Accountancy at Massey University, Wellington, New Zealand* (Doctoral dissertation, Massey University).
- Scott, W. R., & O'Brien, P. C. (2003). *Financial Accounting Theory* (Vol. 3). Toronto: Prentice Hall.
- Shawver, T. A. (2007). *An Empirical Study of Select Financial Variables Inherent in Fraudulent Financial Reporting in the Financial Institutions Industry* (Doctoral dissertation, Nova Southeastern University).
- Shivakumar, L. (2000). Do firms mislead investors by overstating earnings before seasoned equity offerings?. *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 339-371.
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, 94(3, Part 1), 461-488.

- Sobel, R., & Graefe-Anderson, R. (2014). The relationship between political connections and the financial performance of industries & firms. *Working paper, Mercatus Center*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3211630>.
- Srinivasan, S., Wahid, A. S., & Yu, G. (2014). Admitting mistakes: Home country effect on the reliability of restatement reporting. *The Accounting Review*, 90(3), 1201-1240.
- Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1986). *Positive accounting theory*. Prentice Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- Wilson, W. M. (2008). An empirical analysis of the decline in the information content of earnings following restatements. *The Accounting Review*, 83(2), 519-548.
- Wu, W., Johan, S., & Rui, O. M. (2012). Institutional investors, political connections and incidence of corporate fraud. *TILEC discussion paper*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2181958>.
- Zeng, Z. M., Li, X. Y., & Hong, Y. (2012). Earnings conservatism perspective: political connections and earnings quality—evidence from China's private listed enterprises. *In M & D Forum*, 7(1), 569-580.
- Abbaszadeh, M., Rajabalizadeh, & J., Ghannad, M. (2019). Political Connections, Related Party Transactions and Earnings Management In Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 16(63), 129-155. [In Persian].
- Aghaie, M., Zalaghi, H., Etemadi, H., Anvari Rostami, A. (2013). Financial Statement Restatements Impacts on Accrual Quality. *Empirical Research in Accounting*, 3(1), 119-147. [In Persian].
- Akhgar, M., korani, F. (2019). Investigating the effects of market frictions on financial constraint with emphasis on political connection. *Journal of Financial Accounting Research*, 11(2), 17-38. [In Persian].
- Barzegari Khanaghah, J., Ghadirian Arani, Z. (2018). Financial Information Reliability and Agency Costs: Evidence from Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 10(3), 103-118. [In Persian].
- Chaleshgari, A., & jafari, A. (2015). Investigating the role of corporate Political relations on Earnings Quality of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *3rd International Conference on applied research in Management & Accounting*, Tehran, Shahid Beheshti University, https://www.civilica.com/Paper-AMSCONF03_AMSCONF03_317.html. [In Persian].
- Etemadi, H., Ahmadi Gvrjy, J. (2017). Effects of political communication on investment and Reducing financing constraints in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 9(34), 4-23. [In Persian]

- Hosseini, S., Bahiraei, A. (2019). The Impact of Political Connections and Voluntary Disclosure in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 16(62), 151-175. [In Persian].
- Kajavi, S., & Hosseini, S. (2010). Capital Structure and Political Patronage in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances (J.A.A)*, 2(1), 67-84. [In Persian].
- Khajavi, S., & Ghadirian Arani, M. (2016). Investigation of the Impact of Earnings Quality on Restatement of Financial Statements. *Journal of Accounting Advances (J.A.A)*, 7(2), 59-84. [In Persian].
- Mahdavi, G., & Ghadirian-Arani, M. (2018). Financial Information Reliability and Information Asymmetry: Evidence from Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 5(17), 97-114. [In Persian].
- Mahmoodabadi, H. & Najafi, Z. (2013). The role of corporate transparency in determining the relationship between government political support and the performance of the companies listed on Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 6(18), 273-291. [In Persian].
- Mansourfar, G., Qaderi, B., & Daneshyar, F. (2017). Political Hypotheses (Political Costs) and Financial Reporting Quality: Empirical Evidence from Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 14(53), 113-142. [In Persian].
- Mehrabanpour, M., Jandaghi Ghomi, M., & Mohammadi M. (2017). Political Connections and Abnormal Transactions by Related Parties. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 2 (3), 147-168. [In Persian].
- Mohseni, A. (2018). Political connections and the cost of equity capital in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Engineering and Portfolio Management*, 9(34), 273-291. [In Persian].
- Nikbakht, M., & Rafiee, A. (2012). A Model of Effective Factors in Financial Restatements in Iran. *Journal of Knowledge Accounting*, 3(9), 167-194. [In Persian].
- Nikomaram, H., Banimahd, B., Rahnamay Roodposhti, F., & Kiaei, A. (2013). Political Economy Perspective and Earnings Management. *Management Accounting*, 6(18), 31-43. [In Persian].
- Palangi, J., & Aghajan Sarhamami, A. (2016). Investigating the Impact of Political Relations of the Board of Directors on the Relationship between Cash Holdings and Earnings Quality. *International Conference on Management & Accounting*, Tehran, Nikan High Education institute, https://www.civilica.com/Paper-MANAGECONF01-MANAGECONF01_558.html. [In Persian].
- Rafiei, A., & Safarzade, H. (2015). Financial restatement and the effective factors on it in different industries. *Journal of Audit Science*, 14(55), 175-194. [In Persian].

- Rahmani, A., & Najaf Toumrai, A. (2011). Accounting Restatements and Information Risk. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 9(34), 33-54. [In Persian].
- Rahnamay Roodposhti, & F., Mohseni, A. (2018). Political connections, dividend and stock return in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11(38), 129-144. [In Persian].
- Rezaei, F., & Weysihsar, S. (2014). The effect of political connections with the government on the relationship between ownership concentration with quality of financial reporting and the cost of equity capital. *Accounting and Auditing Review*, 21(4), 449-470. [In Persian].



استناد به این مقاله: خواجوی، شکراله. نصیری فر، هاشم. قدیریان آراتی، محمد حسین. (۱۴۰۰). ارتباطات سیاسی و کیفیت اطلاعات حسابداری: شواهدی از تجدید ارائه صورت‌های مالی. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، (۱۸)، ۷۱-۳۲.



<https://dx.doi.org/10.22054/qjma.2021.49457.2113>

Empirical Studies in Financial Accounting is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.